

گلزار شهدا به مثابه مکان - خاطره^۱

* احسان آقابابایی

E-mail: Ehsan_aqababae@yahoo.com

** مهدی ژیانپور

E-mail: zhianpourmehdi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۱

چکیده

انسان‌ها در زندگی اجتماعی به مکان‌های گوناگونی همچون اتاق شخصی، رستوران، پارک، شهر و... گذر می‌کنند. اگر هر کدام از این مکان‌ها به جای منحصربه‌فردی تبدیل شود، که فرد معانی چندگانه‌ای به آن نسبت دهد؛ آنگاه آن مکان، زندگی اجتماعی فرد را اشباع کرده و به جایی بدل می‌شود، که آن را «مکان - خاطره» می‌نامند. پرسش اصلی مقاله‌ی حاضر آن است، که نشان دهد گلستان شهدای اصفهان یک مکان - خاطره‌ی هویتی و احساسی برای خانواده‌های شهدا به حساب می‌آید. برای نیل به این هدف، روش ترکیبی، راهبر مقاله‌ی حاضر است؛ در بخش کیفی با «روش تفسیری» با بیست نفر از خانواده‌های شهدا مصاحبه صورت گرفته است و در بخش کمی از ۱۸۰ نفر از خانواده‌های شهدای گلستان شهر اصفهان به شیوه‌ی پیمایشی اطلاعات جمع‌آوری شده است.

نتایج نشان می‌دهد، که گلستان شهدای شهر اصفهان برای خانواده‌های شهدا یک مکان - خاطره‌ی هویتی و احساسی به حساب می‌آید. یعنی گلستان شهدا در ایجاد یک هویت مکانی، بازیابی هویت‌های مذهبی، انسجام هویت خانوادگی، برانگیختن احساسات فرد و اهمیت فرد به نمادها به گونه‌ای عمل کرده است که بر مکان - خاطره بودگی خود صحنه گذاشته است.

کلید واژه‌ها: گلستان شهدا، مکان - خاطره، هویت، احساسات.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی میزان رضایتمندی جامعه هدف از نحوه‌ی ساماندهی گلزارهای شهدای استان اصفهان» است که گروه مطالعات شهری جهاد دانشگاهی واحد اصفهان (sec.es@acecr.ac.ir) در سال ۱۳۹۱ به کارفرمایی «بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان» اجرا کرده است.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول

** دکترای جامعه‌شناسی، استادیار پژوهش، گروه مطالعات اجتماعی - فرهنگی شهر، جهاد دانشگاهی واحد

اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه و طرح مسأله

انسان‌ها در زندگی اجتماعی نسبت به مکان‌هایی، که به آنجا رفت و آمد دارند، واکنش نشان می‌دهند. این مکان‌ها برای افراد به گونه‌ای تعلق خاطر ایجاد می‌کند، که بودن در آن، معانی چندگانه‌ای را شامل هویت، احساس و هیجان در فرد به وجود می‌آورد. چنین وابستگی به مکان در ذیل گرایشی به نام «جامعه‌شناسی مکان» مورد تحلیل قرار گرفته است و چنین مکان فیزیکی‌ای، که ارزش‌ها و معانی مختلفی در افراد به وجود می‌آورد، «مکان - خاطره» نامیده شده است (هال و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۵؛ نورا، ۱۹۸۹: ۷). از این رو یک صندلی، یک اتاق، یک رستوران، یک پارک و حتی یک شهر می‌تواند به مثابه‌ی یک مکان - خاطره در نظر گرفته شود. این مکان - خاطره، محققان مختلف را در «معماری» و «مطالعات شهری» متوجه خود کرده است. مصرف مکان شهری در گردشگری (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲)، ترجیحات مردم از زیبایی و هویت مکان (امین‌زاده، ۱۳۸۹)، پدیدارشناسی هویت مکانی (تابان و همکاران، ۱۳۹۱) و تقویت خاطرات جمعی به مدد احساس خاص به مکان (افشاری آزاد و روستایی، ۱۳۹۰) از جمله‌ی این تحقیقات محسوب می‌شوند. در کنار این مطالعات، به دلیل آن‌که گلزار شهدا بعد از جنگ ایران و عراق بخشی از فضای شهری را به خود اختصاص داده و دارای اهمیت دینی و سیاسی است، قابلیت مطالعاتی دارد.

جنگ ایران و عراق همچون رخدادی عظیم بود، که به دلیل مدت، ارزش‌ها و هزینه‌ای که ملت ایران برای آن پرداخته، به حافظه‌ی جمعی ایرانیان وارد شده است. این رخداد با توجه به حضور نسلی، که جنگ را تجربه کرده است، خانواده‌هایی که اعضای از آنها در آن شرکت کرده‌اند و برنامه‌ریزی‌هایی که درباره‌ی آن صورت گرفته، در حافظه‌ی جمعی ایرانیان صاحب جایگاه شده است. این حافظه به‌عنوان امر ذهنی دارای عینیت بیرونی است. عینیتی که در هنگام جنگ و بعد از آن، خود را در کتاب‌ها، فیلم‌ها، اشعار، بزرگداشت‌ها، نهادها و سازمان‌ها نمایان ساخته است. یکی از عینیت‌سازی‌های این امر در گلزار شهدا تجلی پیدا کرده است.

گلزار شهدا به همراه تمامی نمادهایش مکانی است که به لحاظ فیزیکی از سایر مکان‌ها مجزا است. یعنی در کنار سایر قبور در روستاها و شهرها، به‌عنوان مجموعه‌ای مجزا قرار دارد. این محل از این رو به یک مکان - خاطره تبدیل شده است که گروه‌های مختلفی از جامعه آن را واجد معنایی منحصر به فرد کرده‌اند. شهیدان به‌عنوان نماد هشت

سال دفاع مقدس از منزلت والای اجتماعی و دینی برخوردارند. در رأس همه‌ی گروه‌ها، امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود» (خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ج ۲۱). سایر سازمان‌ها و نهادها نیز چنین جایگاهی برای آن قائل‌اند. هدف مقاله‌ی حاضر آن است، که نشان دهد گلزار شهدا یک مکان - خاطره‌ی هویتی و احساسی برای خانواده‌های شهدا است و تفسیر کند که مکان - خاطره بودگی این مکان، چه معنایی برای این افراد تولید می‌کند. برای نیل به این هدف، گلستان شهدای شهر اصفهان به‌عنوان یک مکان - خاطره در نظر گرفته شده است؛ ابتدا ادبیات مرتبط با هویت و مکان - خاطره بررسی می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد.

سؤال‌های تحقیق

- آیا گلستان شهدای اصفهان یک مکان - خاطره‌ی هویتی و احساسی برای خانواده‌های شهدا است؟

- گلستان شهدای اصفهان برای خانواده‌های شهدا چه معنایی دربردارد؟

ادبیات و چارچوب مفهومی

هویت

هویت امری اجتماعی است که در پاسخ به «کیستی» موجود بشری بر ساخته می‌شود. تبار مفهومی این واژه از مطالعات «جورج هربرت مید» و «چارلز هورتن کولی» شروع شد؛ جایی که این دو، هویت را به مثابه‌ی محصولی اجتماعی در نظر گرفتند. از نظر اینان، هویت از کنش متقابل اجتماعی در روند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. زمانی که دیگری تعمیم یافته، «من فاعلی» را پس زده و اجتماعی شدن اولیه در دوران کودکی از طریق نقش‌پذیری صورت گرفت، هویت به وجود می‌آید (بروس و یرلی، ۲۰۰۶: ۱۴۴). انتقادات از این نظریه با این ایده شروع شد که «مید» در مفهوم پردازای هویت، نقش «فرهنگ»، «قدرت» و «مکان» را نادیده گرفته است. از این‌رو محققان بعدی تلاش کردند که نقش ارزش‌های فرهنگی، عملکرد ایدئولوژی‌های سیاسی و نهادهای اجتماعی را در تبیین هویت برجسته کنند. از نظر «تاجفل» هویت، تابعی از ویژگی‌های فرهنگ گروهی است که افراد به آن وابسته هستند و مبتنی بر تفسیر درون‌گروه و برون‌گروه است. «جوانا واین» و «راب وایت» می‌نویسند، که هویت در نهادهای

اجتماعی شکل می‌گیرد و ارتباط یا عدم ارتباط از مسیر نهادهای اجتماعی به ایدئولوژی‌های مسلط هر جامعه بستگی دارد (اسمیت و میشل، ۱۹۹۳: ۷۷). «جنسیت» و «نژاد» در دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد از جمله مفاهیم مهم هویت است و در سه دهه‌ی گذشته، هویت براساس مدرنیته و پست‌مدرنیته تحلیل شده است. «گیدنز» هویت را به مدرنیته پیوند می‌زند. به نظر وی هویت به معنای تداوم در مکان و زمان است که فرد به طور بازانديشانه خود را در آن می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲). پست‌مدرن‌هایی چون «زیگموند باومن» از جنبه‌ی لحظه‌ای بودن نظم اجتماعی در دوران اخیر استفاده می‌کنند تا بر سیالیت هویت تأکید کنند (کسلر، ۱۳۹۴: ۱۰۴). علاوه بر این، برخی نظریه‌پردازان، به جای سیالیت هویت از چندگانگی هویت سخن می‌گویند، که در ارتباط با «معنا» قابل فهم است. از نظر کاستلز، هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. هویت، فرایند معناسازی است که براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه بهم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویت داده می‌شود، شکل می‌گیرد. در هر فرد چندین هویت وجود دارد، که ممکن است باعث بروز تناقضاتی برای وی شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲).

مکان

برخی با محور قرار دادن رشد شهرها و تجلی مکان در فضای شهری، آن را به اقتصاد سیاسی و اکولوژی شهری پیوند زده‌اند (فلتیگان، ۱۹۹۳: ۳۲). برخی دیگر، مفهوم مکان را در ارتباط با تطور معماری دانسته و بر نقش متخصصین معماری در مکان‌سازی تأکید دارند (ساتلز، ۱۹۹۰: ۳؛ موکرچی، ۱۹۹۷: ۵). برخی به جز دو سه گروه نظریه ذکر شده بر این عقیده‌اند، که مردم معمولی از فضاها معانی، هویت‌ها، مرزها و نام‌هایی را استخراج می‌کنند، که دلالت بر مکان دارد. یعنی معنایی، که افراد به فضاها و اشیا نسبت می‌دهند، مکان ویژه‌ای را خلق می‌کند (اتلین، ۱۹۹۷: ۳۰۷). متفکرین دیگر، چند ویژگی برای مکان در نظر گرفته‌اند. اول، موقعیت جغرافیایی است. یک مکان نقطه‌ای واحد در جهان است. مکان تمایزی میان اینجا و آنجا است و به مردم اجازه می‌دهد که دور و نزدیکی موقعیت خود را تشخیص دهند. مکان‌ها محدودیت دارند؛ اما به طور منطقی در یک جای بخصوص مأوا گرفته‌اند؛ چرا که مرزهای آن به لحاظ تحلیلی و پدیدارشناختی انعطاف‌پذیر است. یک مکان می‌تواند یک صندلی، یک اتاق، ساختمان، همسایه، روستا، شهر، حومه‌ی شهر، دولت، ملت، قاره، لب ساحل، نوک یک قله یا یک منطقه‌ی مورد علاقه‌ی افراد باشد (انتریکین، ۱۹۸۹: ۹۱). دوم، شکل مادی است. یعنی،

چه مکان‌ها ساخته‌ی دست افراد باشند (خیابان‌ها، درب‌ها) و چه طبیعی باشند (درختان، صخره‌ها) دارای شکل مادی هستند. مردم بر روی مکان‌ها کار انجام می‌دهند. مردم مکان‌ها را می‌سازند و تلاش می‌کنند که مکان‌های دست نخورده محفوظ بمانند (انتریکین، ۱۹۸۹: ۹۲). سوم، سرمایه‌گذاری معنا و ارزش است. اگر مردم مکان‌ها را نام‌گذاری نکنند یا با آنها همذات‌پنداری ننمایند، یا آن را برای خود و دیگران بازنمایی نکنند؛ یک مکان، دیگر مکان نیست. یعنی مکان‌ها با تفسیر، روایت، ادراک، احساس، فهم و تصور مردم است، که واجد معنا می‌شوند (سوجا، ۱۹۹۶: ۱۵۰).

مکان - خاطره

«پی‌یر نورا» مفهوم «مکان - خاطره» را نظریه‌بندی کرده است. به نظر او، ما درباره‌ی حافظه، زیاد صحبت می‌کنیم؛ چرا که چیز کمی از آن به خاطر مانده است. به باور او جوامع پیشامردن در گذشته‌ای دنباله‌دار زندگی می‌کردند، اما جوامع امروز حافظه را از پیوستار بازتولید اجتماعی جدا کرده‌اند. حافظه امروز موضوعی از نشانه‌های صریح است و نه امری مربوط به معانی ضمنی. ما امروز حافظه را به‌عنوان شکلی از تجربه تقسیم‌بندی می‌کنیم. تنها دلیل مراجعه‌ی ما به حافظه بازنمایی و ابداع چیزی است، که دیگر نمی‌توانیم به طور خودبخودی تجربه کنیم (نورا، ۱۹۸۹: ۷). به نظر نورا، مکان - خاطره، جایی است که حافظه فرهنگی متبلور می‌شود و مشتمل است بر ۱- مکان‌هایی مانند موزه، کاخ، مقبره، کلیسا، بناهای یادبود. ۲- مفاهیم و اعمالی مثل مجلس یادبود، نسل، شعار و مناسک. ۳- ابژه‌هایی از قبیل دارایی موروثی، بناهای یادبودی و نمادها در مجموع، مکان - خاطره‌ها، مصنوعات هستند که گذشته را به خاطر ما می‌آورند (نورا، ۱۹۸۹: ۷).

مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که براساس نظریه‌ی کاستلز می‌توان گفت که افراد دارای هویت چندگانه هستند و هویت فرایند معناسازی است که از منابع فرهنگی مختلف مایه می‌گیرد. بر مبنای نظر نورا می‌توان استدلال کرد، که تعلق افراد به یک «مکان» که همراه با احساسات فردی و جمعی است، یک ویژگی فرهنگی محسوب می‌شود. از این‌رو مکان - خاطره برای افراد سرچشمه‌ی معنا بوده و در نتیجه دلالت هویتی و احساسی برای آنها خواهد داشت. چارچوب مفهومی این مقاله در جدول ۱ قید شده است:



جدول ۱: چارچوب مفهومی

مفهوم / متغیر	بعد پژوهش	توضیح
هویت	کیفی	هویت حاصل تجربه و معنای افراد است. افراد واجد هویت‌های چندگانه‌اند، که به واسطه منابع فرهنگی مختلف اخذ می‌کنند.
احساسات	کیفی	حالات عاطفی، که به خاطر معنادهی فرد به یک مکان، شکل می‌گیرد.
مکان - خاطره	کمی / کیفی	جایی است که حافظه فرهنگی در آن تجلی می‌یابد. مکان - خاطره با هویت افراد و احساسات آنها ارتباط معنایی دارد.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش روش ترکیبی است. روش‌های ترکیبی به‌عنوان نوعی از طرح پژوهشی است، که در آن رهیافت‌های کمی و کیفی در انواعی از سؤالات، روش‌های تحقیق، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹: ۷). دیوید مورگان چهار استراتژی عملیاتی برای طراحی مطالعه‌ای با روش‌های ترکیبی پیشنهاد کرده است که در این مقاله از «استراتژی شماره‌ی یک» وی بهره برده‌ایم. این استراتژی بدین معنا است، که ابتدا از روش کیفی و سپس روش کمی استفاده می‌شود (بروس و انوگبوز، ۲۰۰۹: ۱۴۴).

تکنیک گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۱ و در گلستان شهدای شهر اصفهان صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری مشتمل بر ۱۳۲۲۳ نفر از بستگان درجه اول و در قید حیات شهدای مدفون در گلستان اصفهان هستند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۱۶۳ نفر برآورد شده است که برای اطمینان ۱۸۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. روش نمونه‌گیری به کار رفته در این مقاله ترکیبی از نمونه‌گیری «هدفمند» و «سهمی‌ای» است. در واقع نمونه‌های هدفمند متناسب با روش کیفی و نمونه‌های احتمالی متناسب با روش کمی است. در بخش کیفی با بیست تن از اعضای خانواده‌ی شهدا، مصاحبه انجام گرفته است. اهداف این گزینش «سن» و «نسبت با شهید» در نظر گرفته شده است؛ چرا که این دو عامل تأثیر زیادی در درک افراد از گلستان شهدا، به مثابه‌ی یک مکان خاطره داشته‌اند. نمونه‌گیری بخش کمی، سهمیه‌ای است. برای انجام این مهم ابتدا جامعه‌ی آماری را بر حسب نسبت فرد با شهید به هشت طبقه تقسیم کردیم. سپس در مرحله‌ی

دوم به روش دسترس‌پذیری افراد از بین طبقات، نمونه‌های نهایی برای اجرای پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها گزینش شده‌اند. در این مقاله «هویت»، «احساسات نسبت به گلستان شهدا» و «میزان حضور در گلزار»، سه متغیری هستند که متغیر پنهان «مکان - خاطره» را برمی‌سازند. با توجه به نتایج بخش کیفی، گویه‌هایی برای این متغیرها تعریف شده و سپس اندازه‌گیری می‌شود. تکنیک تحلیل بخش کیفی کدگذاری است و آزمون t و همبستگی در بخش کمی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اعتبار کار در بخش کمی از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای و در بخش کیفی از طریق باورپذیری یعنی از طریق «حضور در میدان» تحقیق و «مشاهده‌ی مداوم» (محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۷۷؛ ایمان، ۱۳۸۸: ۱۸۰) و پایایی از طریق آلفای کرونباخ (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۵) تضمین شده است.

یافته‌های تحقیق

بخش کیفی

گلستان شهدا واجد چند دسته معنا برای خانواده‌های شهداست، که به مدد سه دسته کد هویتی (هویت مکانی، هویت گروهی، هویت دینی)، احساسی (احساس سبکی، احساس دل‌تنگی، احساس گناه) و نمادی مشخص می‌شود. این سه دسته کد، گلستان شهدا را به مثابه‌ی یک مکان - خاطره برمی‌سازد.

هویت

هویت مکانی: گلستان شهدا به‌طور اعم و مزار یک شهید به‌طور اخص، مکانی است که برای فرد هویت مختص به خود را تولید می‌کند. این مهم، به دو شکل صورت می‌گیرد. یکی آن‌که، گلستان شهدا خود به‌عنوان مکانی هویت‌زا عمل می‌کند؛ یعنی گلستان شهدا نوعی هویت مکانی برای فرد به وجود می‌آورد، که از آن طریق فرد به آن مکان وابسته می‌شود. فرزند سی و سه ساله یک شهید، که دست کم دو هفته یکبار، به گلستان شهدا می‌آید در این مورد می‌گوید: «خاک اینجا با ما عجین شده و در گوشت و پوستمون رفته». از این‌رو، فرد، خاک گلستان را جزئی از وجود خودش می‌داند و نوعی درهم‌آمیزی بین «وجود خود» و «مکان» را تجربه می‌کند. فرزند شهید دیگری، گلستان شهدا را یک مکان امن برای زندگی‌اش می‌داند، که رفتن به آنجا برایش ضرورت دارد. به نظر وی مزار شهید «مأمنی است که رفتن به آنجا باعث می‌شود که خودم را پیدا کنم». «پیدا کردن خود» به معنای آن است، که فرد در پی پاسخ به پرسش چیستی و



کیستی‌اش توانسته است از طریق گلستان جوابی بیابد، که نشان از معنای هویت‌زای گلستان شهدا دارد. پسر شهید دیگری که خود سابقه‌ی حضور در جبهه نیز دارد، از وجود یک توانایی جهت‌یابی در گلستان سخن می‌گوید: «یه حس جهت‌یابی عجیبی نسبت به اینجا دارم. انگار مزار رفقا منو صدا می‌زنند». این ارتباط جهت‌محورانه، نشانی از هویت مکانی فرد در گلستان شهدا است. می‌توان گفت، که این مکان، جهت کلی و مسیر اصلی زندگی او را نیز تعیین می‌کند. چرا که این جهت‌ها او را به سوی خود فرا می‌خوانند و این یعنی حرکت در راه شهدا. معنابخشی، که خاک شهدا در این مورد ایجاد می‌کند بسیار حیاتی است؛ چرا که به هویت در عام‌ترین سطح خود مربوط می‌شود. در این تجربه، خاک شهدا و به طور خاص گلستان شهدا، به مثابه بخش عظیمی از میراث فرهنگی، راه و جهت حرکت را ترسیم کرده و افراد را برای رسیدن به هدف‌های خود یاری می‌دهد. برادر شهیدی در گفته‌هایش خود را ملزم به حضور در گلستان شهدا به طور منظم می‌داند و علت این کار را این می‌داند، که نمی‌خواهد از یاد و راه آنها فاصله بگیرد. باید اشاره کرد، که حضور در این مکان و مرور ذهنی خاطره‌ها برای فرد مذکور، به معنای حفظ فاصله با نوعی مادی‌گرایی و دنیوی‌شدن زندگی‌اش است؛ چراکه زندگی مادی نه تنها در اینجا اهمیتی ندارد، که معنای اساسی زندگی‌اش را نیز از او می‌گیرد. دوم آن‌که، فرد از طریق مراجعه به گلستان شهدا، دیگر هویت‌های خود را بازیابی می‌کند. مادر شهیدی می‌گوید:

«گلزار شهدا که می‌رم می‌بینم همه‌ی خانواده‌ها مثل ما هستن. می‌گم همه‌ی اینها که رفتن جوون بودن مثل پسر من. حس می‌کنم اونجا همه یه جورن. اونجا که هستم فکر نمی‌کنم پسر من تنها رفته. ولی توی خونه بیشتر احساس دل‌تنگی می‌کنم».

این گفته نشان می‌دهد که فرد با آمدن به گلستان شهدا هویت جمعی‌اش را باز می‌یابد، که نشان از تعلق وی به خانواده‌ی شهدا دارد. این‌که خانواده‌های دیگری وجود دارند، که آنها نیز پسرانشان را از دست داده‌اند و شبیه او هستند، باعث می‌شود، که فرد احساس فراق کمتری در گلستان شهدا نسبت به خانه‌ی خود، داشته باشد. پدر شهیدی تعلق به خانواده‌ی شهدا را با واژه‌ی «طیف خودمان» توصیف می‌کند: «وقتی به مزار می‌رم اغلب آدمایی که به اونجا می‌یان از طیف خودمون هستن». از این رو فرد با آمدن به گلستان و احساس تعلق به خانواده‌ی شهدا، مرزی بین درون‌گروه و برون‌گروه ترسیم کرده و نوعی هویت خانوادگی را تجربه می‌کند. در واقع، فرد با آمدن به گلستان شهدا نوعی «ما»ی جمعی را شکل می‌دهد، که در آن با دیگر خانواده‌های شهدا، پیوند

می‌یابد. فرد در این پیوند است، که می‌تواند معنای گم‌شده‌ی خود را، تا حد زیادی بازیابد. بدیهی است احساس یگانگی با خانواده‌های دیگر، به دلیل وجود یک تعلق مشترک به مکان رخ می‌دهد. در واقع مکان آشنا که در اینجا گلستان شهداست، احساسات، خاطره‌ها و روزهای مشترکی را به یاد می‌آورد که این امر به نزدیکی و همدلی بیش از پیش خانواده‌ی شهدا منجر می‌شود.

هویت دینی افراد نیز در گلزار شهدا تقویت می‌شود. این هویت ابعاد مختلف دینداری افراد را دربرمی‌گیرد. از جنبه‌ی پیامدی، مادر شهیدی می‌گوید: «آدم که به سر مزار می‌یاد یاد قبر و قیامتش می‌وفته» و بدین‌گونه اعتقاد به قیامت را در درون خود از طریق گلستان شهدا جست‌وجو می‌کند. پدر شهیدی به همین‌گونه بر این عقیده است، که گلستان شهدا جایی است که «آدم یاد اون ور می‌افته» و مراد او از «اون ور»، جهان آخرت است. بنابراین در هر دو مورد، اعتقاد به معاد، که از اصول دین است، در این افراد یادآوری می‌شود. برآورده شدن حاجت نیز از دیگر این ابعاد است. همسر شهید، یکی از دلایل اهمیت مزار شهیدش را در قدرت معنوی شهدا، در برآورده شدن حاجت‌ها می‌داند و می‌گوید: «... چون خیلیا حاجت گرفتن از شهید ما، چه از بستگان، چه از فامیل، چه خودمون ... مشکل داشته باشیم سریع می‌گیریم».

دختر شهید نیز به چنین قدرت معنوی اعتقاد دارد. هر چند خود دعا نمی‌کند اما این اعتقاد را به تمامی، در مزار شهدا کشف کرده است: «فامیل می‌گن ما هرچی از بابات خواستیم بمون داده، ولی من چیزی نمی‌خوام ازش. می‌گم خودش می‌دونه، آگه بخواد می‌ده». وی ادامه می‌دهد که «می‌گن خاک سرده ولی در مورد اینا [شهدا] صدق نمی‌کنه». او از این طریق علاوه بر این، که نشان می‌دهد تمایزی اساسی بین سایر اموات و شهدا وجود دارد، خاک گلستان شهدا را نیز دارای وجهی کاملاً متفاوت از سایر مکان‌ها می‌داند و بدین طریق علاوه بر این اعتقاد، که شهدا در بهشت برین صاحب جایگاه والایی هستند صحنه می‌گذارد نشان می‌دهد که گلستان شهدا مکان ویژه‌ای نیز هست. می‌توان گفت که اساس خاص بودن و ویژه بودن گلستان شهدا ناشی از این است، که آن‌ها انسان‌هایی معمولی و عادی نبوده‌اند و قطعاً از نظر میزان دینداری و ارتباط با خدا در سطحی بسیار بالا قرار داشته‌اند، وگرنه به این مقام و درجه نمی‌رسیدند. در واقع این گفته‌ی دختر شهید تأییدی است بر این مدعا که نائل شدن به افتخار شهادت نصیب هرکسی نمی‌شود، مگر این‌که هویت فرد و معنای زندگی‌اش با



دین عجین شده باشد؛ این دیدگاه نوعی هویت دینی را در خانواده‌های شهدا و افرادی که به گلستان شهدا می‌آیند، ایجاد می‌کند.

احساسات

برانگیختگی احساسات یکی از مهم‌ترین نمودهای گلستان شهدا به مثابه‌ی یک مکان - خاطره است. خانواده‌ی شهدا در این مکان احساسات چندگانه‌ای را تجربه می‌کنند. پسر شهیدی می‌گوید:

«وقتی که به سر قبر می‌رم احساس سبکی می‌کنم و می‌تونم با فراق بال‌گریه کنم چون در این مکان گریه کردن هیچ ایرادی نداره و تو می‌تونی به راحتی برخلاف بقیه جاها اشک بریزی».

این حرف او نه تنها احساس سبکی وی را عیان می‌سازد؛ بلکه گلستان شهدا را واجد خصوصیت منحصر به فردی می‌کند، که می‌توان در آن به راحتی اشک ریخت. دختر شهیدی از درد و دل کردن با پدرش در گلستان شهدا سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد: «دوست دارم تنهایی برم و کسی همراهم نباشه. می‌خوام بلند باهاش حرف بزنم. [حرف زدن] توی دلم بم نمی‌چسبه». تأکید فرزند شهید بر تنها رفتن یعنی اوج ارتباط حسی. در واقع یک فرد قوی‌ترین ارتباط عاطفی را با فرد دیگر، وقتی می‌تواند برقرار کند، که نفر سومی وجود نداشته باشد. تنها رفتن می‌تواند با بیان هرگونه احساس شخصی، درد و دل و یا هرگونه بیان عاطفی دیگر همراه باشد. این جمله تأییدی است بر این‌که این مکان یعنی گلستان شهدا، میدان بروز و تجلی عمیق‌ترین و صمیمانه‌ترین احساسات این فرد است. یک گفت‌وگوی ناب و پر حس و حال دقیقاً در این مکان می‌تواند شکل بگیرد.

همسر شهیدی بعد از آن‌که می‌گوید: «آدم خیلی به شهیدش وابسته میشه» توضیح می‌دهد که احساس می‌کند که دائماً با همسرش در حال گفت‌وگو است و این احساس را در گلستان شهدا بهتر بیان می‌کند:

«گلستان شهدا از هر جا برم بهتره ... حس خیلی خوبی دارم منته این‌که همسرم بام صحبت می‌کنه ... همین‌طور که وارد می‌شم سلام می‌کنم انگار جوابمو میدن...».

این احساسات چنان برای او عمیق است که «از خدا می‌خواستم خونم نزدیک [گلستان] شهدا بود». گفت‌وگو کردن با فردی که دیگر جسم مادی ندارد، شاید در ظاهر غیرمنطقی باشد، اما وجود احساسات و عواطفی که در پس این گفت‌وگوها

وجود دارد، باعث می‌شود که آن را بیش از پیش معنی‌دار نشان دهد. درد دل یک زن شهید با همسرش و حرف‌هایی که بیان آن می‌تواند شور و حال خاصی بیافریند، در این مکان یعنی گلستان شهدا به اوج خود می‌رسد. همسر شهید دیگری نیز می‌گوید، که با آمدن به گلستان شهدا «خیلی آدم شاداب می‌شه. قلب آدم روشن میشه». پسر شهیدی نیز می‌گوید: «وقتی به گلستان می‌یام احساس خوبی بهم دست می‌ده و روحم تازه می‌شه. جدا شدن از اینجا برام سخته. وقتی می‌خوام به خونه برگردم از اینجا، بد دل می‌کنم». تازه شدن روح و سخت دل‌کندن از گلستان شهدا، احساسات عاطفی‌ای هستند که وابستگی فرد را به خوبی به گلستان شهدا نشان می‌دهند. احساس سبکی و احساس دل‌تنگی مهم‌ترین کدهای مصاحبه‌ها است؛ احساس گناه از دیگر احساسات افراد، در گلزار شهدا است. درباره احساس گناه، پدر شهیدی می‌گوید: «اینا رفتن شهید شدن ولی ما چی کار کردیم. همش تو فکر پول بودیم». یکی از ابعاد مثبتی که این احساسات می‌تواند تولید کند، یاد قیامت است. نوعی خداترسی و ترس از روز قیامت که می‌تواند راهبر و هدایت‌گر خوبی در زندگی عملی باشد. بدیهی است که یاد قیامت، احساس گناه بواسطه‌ی انجام عمل بد و ایجاد انگیزه برای اخلاقی و دینی زندگی کردن، همگی بواسطه‌ی حضور در این مکان مقدس می‌تواند رخ دهد.

نمادها

نماد، پیوند میان ذهن و عین (روح و جسم) است. هر نمادی، تجسیدی است از روح و معنای پشت آن. بدیهی است که این همه معنا و احساس که در گلستان شهدا وجود دارد از طریق قالب‌های مادی نیز خود را نشان می‌دهد. به دلیل آن‌که گلستان شهدای شهر اصفهان پیش از این یکبار ساماندهی شده بود، نمادهای موجود در گلزار، شبیه به هم شده بودند و از این‌رو خاصیت انحصاری و ویژه برای بازماندگان هر شهید نداشته است. با این حال همان قاب و عکس برای آنان معناده بوده است. همسر شهیدی می‌گوید زمانی، که خود خانواده‌ی شهدا عکس‌ها را عوض می‌کردند «خیلی بهتر بود» اما بعد از آن‌که «خودشان» این کار را کردند، مشکلات زیادی به وجود آمد. مثلاً «اسم شهید ما رو اشتباه نوشتن، حسن رو نوشتن حسین. پارسال که عکس‌ها رو عوض کردن این کار رو کردن». پدر شهیدی می‌گوید «با اسپری رنگ کردن و قاب و عکسو خراب کردن» و همین پدر شهید که پیش از این گفته است: «به عکس شهدا که نگاه می‌کنم باهام حرف می‌زنن»، اینک، از این‌گونه رنگ زدن قاب گلایه دارد. این جمله



پدر شهید، گویی به زنده بودن شهید اشاره دارد و این کار گفت‌وگوی پدر شهید با عکس فرزند خود را، که نمادی از آن شهید است نشان می‌دهد. واضح است که اشتباهاتی از این دست و حساسیت افراد به این تغییرات، ارزش و اهمیت این نمادها را عیان می‌سازد.

بخش کمی

توصیف ویژگی‌های زمینه‌ای خانواده‌های شهدا

آمارهای توصیفی نشان می‌دهد ۶۱/۷ درصد پاسخگویان زن و ۳۸/۳ درصد پاسخگویان مرد هستند. این تفاوت برآمده از بیشتر بودن تعداد زنان در جامعه‌ی آماری است، که این نسبت در حجم نمونه نیز رعایت شده است. در این جدول، رده‌ی سنی ۵۶ سال به بالا بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، که نشان می‌دهد بعد از جنگ ایران و عراق نسل خانواده‌های شهدا و بخصوص والدین شهدا وارد دوران کهنسالی خود شده‌اند. درباره‌ی میزان تحصیلات، جدول نشان می‌دهد، که بالغ بر هشتاد درصد از خانواده‌های شهدا تحصیلات زیر لیسانس دارند. این امر با توجه به سطح سواد رده‌ی سنی بالای ۵۶ سال در کل جامعه‌ی ایران چندان عجیب نیست؛ چرا که در سال‌های اخیر سطح تحصیلات در جامعه‌ی ایران افزایش یافته است. درباره‌ی نوع شغل نیز جدول نشان می‌دهد که نیمی از حجم نمونه را زنان خانه‌دار تشکیل داده‌اند و چیزی در حدود سی درصد از این افراد نیز بازنشسته یا کارمند هستند و سایر شغل‌های دیگر نیز در جدول نشان داده شده است. قسمت انتهایی جدول نیز نشان می‌دهد، که اکثر افراد متعلق به خانواده‌های شهدا، متأهل هستند. علاوه بر این آمارها نشان می‌دهد که ۶۹ درصد از افراد حداقل هفته‌ای یکبار از گلستان شهدای شهر اصفهان دیدار می‌کنند و بیش از ۹۵٪ پاسخگویان حداقل یکبار در ماه به گلستان شهدا می‌آیند.

تحلیل استنباطی مؤلفه‌های مکان خاطره‌ی گلستان شهدا

جدول ۲: آماره‌های توصیفی میزان هویت و احساسات مکان خاطره گلزار شهدا

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار
هویت مکانی	۳/۵	۰/۴۷
احساسات	۴/۳۹	۰/۴۶
مکان - خاطره	۳/۸۷	۰/۳۷

در جدول (۲) به منظور سنجش میزان هویت مکانی گلستان شهدا، میزان احساسات پاسخگویان نسبت به این مکان و ارزیابی گلستان شهدا به‌عنوان یک مکان - خاطره، از آزمون t تک نمونه‌ای بهره برده‌ایم. از آنجا که هر یک از این مؤلفه‌ها دارای مقادیر بین ۱ تا ۵ می‌باشند، عدد ۳ را به عنوان نمره آزمون در نظر گرفته‌ایم.

جدول ۳: آزمون t میزان هویت و احساسات مکان خاطره گلزار شهدا

آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین‌ها	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین‌ها	
				حد پایین	حد بالا
۱۴/۲۸	۱۷۹	۰/۰۰۰	۰/۵	۰/۴۳	۰/۵۷
۳۹/۷۴	۱۷۹	۰/۰۰۰	۱/۳۹	۱/۳۲	۱/۴۶
۳۱/۱۲	۱۷۹	۰/۰۰۰	۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۹۳

براساس نتایج حاصله و با توجه به این که مقادیر سطح معنی‌داری در آزمون‌های فوق کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر ($\mu=۳$) در هر سه آزمون رد می‌شود. از آنجا که مقادیر کمینه و بیشینه فواصل اطمینان برای اختلاف از میانگین در هر سه مورد مثبت و بزرگتر از صفر است، در هر سه مورد فرض $\mu > ۳$ پذیرفته می‌شود. بنابراین هویت مکانی و احساس پاسخگویان نسبت به گلستان شهدا بالاتر از حد متوسط بوده و به‌طور کلی این مکان برای آنان یک مکان - خاطره محسوب می‌شود.

جدول ۴: همبستگی بین احساسات و هویت مکانی

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
۰/۳۱	۰/۰۰۰

با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی بین هویت مکانی و احساسات و مقدار سطح معنی‌داری آزمون استقلال دو متغیر ($۰/۰۵ < ۰/۰۰۰$)، این دو مؤلفه با یکدیگر رابطه مستقیم داشته و با افزایش میزان احساس پاسخگویان نسبت به این مکان - خاطره، هویت مکانی نیز افزایش یافته است.



جدول ۵: آزمون t زوجی مقایسه‌ی هویت مکانی و احساسات مکان - خاطره گلزار شهدا

اختلاف زوجی								
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره‌ی t	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین‌ها		خطای انحراف استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	میانگین احساسات
			حد بالا	حد پایین				
۰/۰۰۰	۱۷۹	-۲۱/۴۳	-۰/۸	-۰/۹۶	۰/۰۴	۰/۵۵	-۰/۸۸	

در جدول (۵) به منظور مقایسه‌ی اهمیت مؤلفه‌های هویت مکانی و احساسات در شناسایی گلستان شهدا به‌عنوان یک مکان - خاطره از آزمون t زوجی بهره برده‌ایم. همان‌طور که سطح معنی‌داری آزمون نشان می‌دهد، اختلاف میانگین زوجی متغیرها مخالف صفر بوده و با توجه به مقادیر منفی فاصله اطمینان مقدار آن کوچکتر صفر است. بدین ترتیب مؤلفه‌ی احساسات با اختلاف معنی‌داری از مؤلفه‌ی هویت مکانی بزرگتر بوده و بیانگر آن است که احساس پاسخگویان نسبت به مکان - خاطره‌ی گلستان شهدای اصفهان به‌طور معنی‌داری از هویت مکانی این مکان بیشتر است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال این هدف بودیم که نشان دهیم گلستان شهدای شهر اصفهان یک مکان - خاطره برای خانواده‌های شهدای وابسته به آن محسوب می‌شود. بدین منظور اطلاعاتی را در دو بخش کیفی و کمی جمع‌آوری کرده و آنها را تحلیل کردیم. یافته‌های بخش کیفی نشان دادند که خانواده‌های شهدا سه دسته کد هویت، احساسات و نمادها را در رابطه با گلستان شهدا فهم می‌کنند. «هویت»، که شیوه‌ی معنادهی فرد به یک پدیده را نشان می‌دهد از سه نوع هویت مکانی (تعلق به گلستان شهدا)، هویت گروهی (تعلق به خانواده‌ی شهدا) و هویت دینی (اعتقاد به معاد و برآورده شدن حاجت) تشکیل شده است. «احساسات» که حالات عاطفی فرد به مکان را نشان می‌دهد، به شدت در وجود این افراد برانگیخته می‌شود؛ یعنی، وقتی خانواده‌های شهدا به گلستان شهدا می‌آیند احساسات متفاوتی را در خود کشف می‌کنند. احساس سبکی، احساس دلتنگی و احساس گناه از جمله مهم‌ترین این عواطف به حساب می‌آیند. علاوه بر این، نمادهای موجود در وضعیت سازمان یافته‌ی

کنونی گلستان شهدا، یعنی سنگ مزار و ویتترین در ذهنیت این افراد معنایی از تعلق خلق کرده است و تغییرات در آن را نمی‌پسندد. از این رو می‌توان گفت که گلستان شهدای اصفهان برای خانواده‌های شهدا یک مکان - خاطره به حساب می‌آید. نتیجه‌گیری بخش کیفی، حاصل نوعی ژرفانگری در حجم نمونه‌ی بیست نفری خانواده‌هایی بود که به گلستان شهدا رفت و آمد داشتند. به خاطر وام‌داری به تحقیقات کیفی، نمی‌شد این یافته‌ها را به لحاظ تجربی تعمیم داد. از این رو، انجام پیمایش این امکان را برای محققان فراهم کرد که با اتکا به داده‌ها و آزمون‌های آماری، هم یافته‌ها را معتبرتر سازند و هم قابلیت تعمیم آنها را بالاتر برند.

نتایج بخش کمی نشان داد که خانواده‌های شهدا بیشتر در رده‌ی سنی ۵۶ سال به بالا قرار دارند. اکثر آنها تحصیلات زیر لیسانس داشتند. نیمی از حجم نمونه را زنان خانه‌دار تشکیل داده‌اند و چیزی در حدود ۳۰ درصد از این افراد نیز بازنشسته یا کارمند هستند. «والدین شهید»، بیشترین تراکم حضور را دارا بودند و ۶۹ درصدشان حداقل هفته‌ای یکبار به گلستان شهدا سر می‌زدند. مهم‌تر آن‌که بالغ بر ۹۵ درصد از خانواده‌های شهدا، حداقل ماهی یکبار به این مکان می‌آمدند. این رفت و آمد مداوم به گلستان شهدا نشان می‌دهد، که این مکان برای آن‌ها ارزش بسیار زیادی دارد؛ چرا که این مکان، مکانی منحصربه‌فردی برای آنان در شهر اصفهان است، که در آنجا به یاد شهید خود می‌افتند؛ تمایل دارند مدت زیادی در آنجا بمانند و با آمدن به آنجا احساس تعلق به خانواده‌ی شهدا برایشان تأکید می‌شود. اگر مدتی به گلستان شهدا نیایند نگران وضعیت مزار شهید خود می‌شوند. در این بین احساسات آنها نسبت به گلستان شهدا بیشتر از هویت مکانی‌شان است. چرا که خانواده‌ی شهدا وقتی به گلستان شهدا می‌آیند احساس سبکی زیادی را تجربه می‌کنند و روحشان تازه می‌شود. تبدیل گلزار شهدا به یک مکان - خاطره برای خانواده‌ی شهدا، انگاره‌ای منحصربه‌فرد را در ذهن آنها شکل داده است.

بنابراین به‌طورکل نتایج نشان می‌دهد، که گلستان شهدا در ایجاد یک هویت مکانی، بازیابی هویت‌های مذهبی، انسجام هویت خانوادگی، برانگیختن احساسات فرد و اهمیت فرد به نمادها به گونه‌ای عمل کرده است، که بر مکان - خاطره بودگی خود صحنه گذاشته است.



منابع

- افشاری آزاد، سمیه؛ روستایی، سمانه (۱۳۹۰)؛ «بررسی رابطه خاطرات جمعی و حس مکان، همایش ملی سازه، راه، معماری، چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، صص ۵۷۱-۵۸۱.
- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۹)؛ «ارزیابی زیبایی و هویت شهر»، هویت شهر، ش ۷، صص ۳-۱۴.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸)؛ *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا؛ پورمند، حسنعلی (۱۳۹۱)؛ «هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه»، *هویت شهر*، ش ۱۰، صص ۷۹-۹۰.
- خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۸)؛ *صحیفه‌ی امام (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دواس، دی ای (۱۳۸۳)؛ *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)؛ *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱، تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۴)؛ «ضریب آلفای کرنباخ و ویژگی‌های آن با تأکید بر کاربرد در پژوهش‌های اجتماعی»، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۱۹، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد - جامعه - فرهنگ*، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کسلر، دیرک (۱۳۹۴)؛ *نظریه‌های روز جامعه‌شناسی*، ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: آگه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مایلز، استیون؛ مایلز، مالکوم (۱۳۹۲)؛ *شهرهای مصرفی*، ترجمه مرتضی قلیچ و محمد حسن خطیبی بایگی، تهران: تیسرا.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)؛ *ضدروش*، تهران: جامعه‌شناسان.
- Bruce, S & Yearley, S. (2006); *The Sage Dictionary of sociology*, Sage.
- Entrikin, JN. (1989); *Place, region and modernity*. See Agnew & Dunan 1989, PP 30-43.
- Entrikin, JN. (1991); *The Betweenness OF Place: Towards a Geography of Modernity*, London: London: Macmillan.
- Etlin, RA. (1997); Space, stone, and spirit: the Meaning of place, *In the Eight Techolo- Gies of otherness*, ed. Golding, PP 306-19, London: Routedge.
- Flanagan, W.G. (1993); *Contemporary Urban sociology*, Cambridge, UK. Cambridge Univ. press.
- Hall, J., Neitz, M. Jo., Battani, M. (2003); *Sociology on Culture*, London: Routledge.
- Johnson, B., Onwuegbuzie, A. (2009); Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come, *Educational Researcher*, Vol 33, No 7, PP 14-26.
- Mukerji, C. (1997); *Territorial Ambitions and the Gardens of Versailles*, UK: Cambridge press.
- Nora, P. (1989); Les Lieux de memoire, Vol.7. Paris: *Les Frances, La Republique, Le Nation*. 7 Vols.
- Olick, J.K., Vinitzky-Seroussi, V., Levy, D. eds. (2011); *The Collective Memory Reader*, Oxford University Press.
- Smith, Peter & Bond, Micheal (1993); *Social Psychology across Cutiures*, Harrester.
- Soja, E.V. (1996); *Thirds pace: Journeys to Los Angles and Other Real-and-Imagined Places*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Sutttes, G. (1990); *The Man-made city: The Land-use confidence Game in Chicago*, Chicago: univ. Chocago press.
- Teddlie, Ch., Tashakkori, A. (2009); *Foundations of Mixed Methods Research: Integrating Quantitative and Qualitative Approaches in the Social and Behavioral Sciences*, Thousand Oaks, CA: Sage.